

مقاله پژوهشی: چشم‌انداز دفاعی-امنیتی کنوانسیون تعیین وضعیت رژیم حقوقی دریای کاسپین

افشین متقی^۱، مصطفی محمدجانی^۲

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۵/۱۳

چکیده

از سال ۱۹۹۱ میلادی با فروپاشی شوروی و افزایش تعداد کشورهای حاشیه دریای کاسپین به پنج کشور در کنار رشد فزاینده نوآوری در روش‌های اکتشاف و استخراج منابع زیربستر، لزوم حل رژیم حقوقی این دریا مطرح شد. در این ارتباط از سال ۱۳۷۶ هجری شمسی تاکنون جلسات و تلاش‌های زیادی به همت پنج کشور ساحلی صورت گرفته که با این وجود این توافقات هیچ‌گاه زمینه رسمی به خود نگرفته‌اند. در چنین شرایطی در چند سال اخیر با پیش‌زمینه کار کارشناسی بر سر مسائل مربوط به تعیین رژیم حقوقی دریای کاسپین و با هدف عبور از چالش مذکور و رسیدن به نقطه تعامل منطقه‌ای امضای کنوانسیون تعیین وضعیت رژیم حقوقی دریای کاسپین به‌جز در دو مسئله تعیین خط مبدأ دریای سرزمینی و منابع بستر و زیربستر در مرداد سال ۹۷ هجری شمسی به امضای پنج کشور ساحلی رسید. امضای این کنوانسیون هرچند پیامدهای مثبتی در افزایش تعامل منطقه‌ای داشته؛ اما همچنان با ابهامات حقوقی بسیاری در حوزه‌های دفاعی و امنیتی برای ج.ا.ایران روبه‌رو است. از این رو تمرکز بر روی همه بندهای این توافق و عدم شتاب‌زدگی در تصویب کلیات آن در راستای حفظ منافع و مصالح ج.ا.ایران به‌ویژه در حوزه‌های دفاعی و امنیتی باید مورد توجه قرار گیرد.

کلید واژه‌ها: کنوانسیون رژیم حقوقی کاسپین، خط مبدأ، منطقه مشاع، چالش منطقه‌ای، تعامل منطقه‌ای.

۱. دانشیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی تهران.

۲. دکتری جغرافیای سیاسی از دانشگاه خوارزمی تهران، نویسنده مسئول: mostafamohamad^۲@yahoo.com

مقدمه

رژیم حقوقی دریای کاسپین تاکنون از دو معاهده، که در سال‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ میلادی، بین ایران و شوروی منعقد شده، پیروی کرده است. براساس این توافقات دریای کاسپین، دریای مشترک بین دو کشور اعلام گردید. بعد از فروپاشی شوروی تا سال ۱۹۹۸ میلادی روسیه به همراهی با ایران در پایبندی بر این قرارداد، خود را ملزم می‌دانست. تا آنکه در این سال سیاست‌های روسیه در مورد رژیم حقوقی دریای کاسپین تغییر کرد و اعلام نمود که این قرارداد متعلق به وضعیت ماهیگیری و کشتیرانی بوده و مسئله انرژی در آن‌ها مطرح نبوده است و باید قرارداد، مورد تجدیدنظر قرار گیرد. بر این اساس بود که این کشور به انعقاد قراردادهای دوجانبه و سپس سه‌جانبه، با قزاقستان و جمهوری آذربایجان مبادرت ورزید. از این طریق روس‌ها در توافق‌نامه‌ای که در سال ۲۰۰۳ میلادی در آلماتی (قزاقستان)، در پایان کار نهمین اجلاس گروه کاری دریای کاسپین نهایی شده و به امضای طرفین رسید، توانستند مشکل خود را در حوزه تعیین رژیم حقوقی با کشورهای همسایه مرتفع نمایند. در این طرح از آنجایی که آذری‌ها خواهان طرح تقسیم دریای کاسپین به بخش‌های ملی بودند، این تقسیم‌بندی توانست آن‌ها را در مرزهای شمالی به اهدافشان برساند؛ اما در جنوب شرق و جنوب، آذری‌ها هنوز نتوانسته‌اند به نتایج قطعی با کشورهای ترکمنستان و ایران دست پیدا کنند. البته از آن‌سو ترکمنستان نیز مانند ایران یکی دیگر از کشورهای این حوزه آبی است که تاکنون موفق به حل و فصل مسائل مرزی خود با هیچ‌کدام از کشورهای حاشیه کاسپین نشده است.

اما از آن‌سو هرچند جمهوری اسلامی ایران از ابتدا اعلام نموده بود که توافقات دو و یا چندجانبه مورد پذیرش این کشور نیست مگر اینکه توافقات از طرف هر پنج کشور ساحلی مورد توافق قرار گیرد، اما با توجه به گرایش کشورهای ساحلی منطقه به طرح روسی، عملاً سیاست مورد نظر ج.ا.ایران در مورد نحوه تعیین رژیم حقوقی این دریا مورد توجه سایر کشورها قرار نگرفت. با نادیده گرفتن نظرات ج.ا.ایران و اجماع کشورهای ساحلی در مورد نحوه تعیین رژیم حقوقی، لزوم دستیابی به یک طرح مشترک برای خاتمه دادن به این اوضاع در رفع این چالش ضروری می‌نمود. در این شرایط بود که به ناگاه

بحث امضای کنوانسیون رژیم حقوقی دریای کاسپین، در اجلاس پنجم سران کشورهای حاشیه این دریا مطرح گردید که این بار سیاستمداران ایرانی با چرخشی آشکار از مواضع قبلی عدول نموده و حل مسئله رژیم حقوقی دریای کاسپین را در قالب طرحی اختلاتی در قالب رفع اختلافات به صورت دو و چندجانبه در سایه امضای کنوانسیون تعیین وضعیت رژیم حقوقی دریای کاسپین که مورد توافق هر پنج کشور قرار گرفت، مورد توافق قرار دادند.

چارچوب نظری

منطقه کاسپین را می توان یک منطقه تازه شکل گرفته در پهنه جغرافیای سیاسی جهان دانست که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و فروپاشی جمهوری شوروی وارد مرحله جدیدی از توسعه سیاسی خود شده است. به دنبال این تغییرات، منطقه با منازعات، رقابت ها و چالش های جدیدی روبه رو شده است. در حوزه منازعات، ما با تقابل دو یا چند دیدگاه متفاوت بر سر منافع مشترک روبه رو هستیم. در حوزه رقابت نیز هدف عقب راندن کشورهای رقیب در دستیابی به اهدافی است که مورد نظر طرفین است. در این حوزه مهم ترین شاخص، مدیریت رقابت و تقویت حس تحمل پذیری در میان کشورها است که به طور کلی در دو گروه بنیان های جغرافیایی و متغیرهای ژئوپلیتیک قابل طبقه بندی هستند. منظور از بنیان های جغرافیایی، عواملی هستند که به صورت مستقل و مستقیم سیاست داخلی و خارجی کشورها را در قالب موقعیت جغرافیایی و مجاورت با سایر مناطق ژئوپلیتیکی تحت تأثیر قرار می دهند و در طرف مقابل متغیرهای ژئوپلیتیک محصول تأثیر عوامل سیاسی و جغرافیایی بر روی هم هستند که می توانند سیاست داخلی و خارجی یک کشور و همچنین روابط آن با سایر کشورها و بازیگران عرصه بین المللی را تحت تأثیر قرار دهند؛ اما در کنار عامل منازعه و رقابت، با سطح دیگری از تنش در منطقه نیز روبه رو هستیم که آن همان چالش است. این نوع از تنش عبارت اند از شرایط و وضعیت جدیدی که مسیر آینده جامعه را از بیرون مورد هجوم قرار داده و حفظ تعادل آن را دچار مشکل

می‌سازد. در چالش‌ها نفع همگان در خطر است که در این راستا باید همکاری مناسبی برای حل آن چالش به وجود آید.

از میان تنش‌های موجود، کارشناسان معتقدند در حوزه کاسپین موضوعاتی وجود دارند که می‌توانند به‌عنوان یک چالش برای برخی از کشورها و یا تمامی کشورهای حاشیه کاسپین مطرح گردند. از این رو رویکرد کشورهای منطقه کاسپین نیز باید بر حل این چالش‌ها و یا واگذاری آن‌ها به زمان آینده استوار گردد. برای این منظور باید زمینه‌های ایجاد این چالش‌ها شناسایی و از تبدیل شدن آن‌ها به زمینه‌ای برای ایجاد منازعه جلوگیری کرد. در حال حاضر اصلی‌ترین مسئله چالش برانگیز در حوزه کاسپین، مسئله حل رژیم حقوقی این دریاست. از آنجایی که این مسئله می‌تواند به چالش بزرگی در این حوزه تبدیل گردد، به همین دلیل در تدوین رژیم حقوقی دریای کاسپین، باید به الزامات ژئوپلیتیک توجه مبذول گردد. لذا با توجه به سطح تنش منطقه‌ای که بیان شد بحث رژیم حقوقی دریای کاسپین و عدم تعیین وضعیت آن را می‌توان به‌عنوان یک چالش در روابط منطقه‌ای مطرح نمود که لازمه فائق شدن بر این چالش ایجاد زمینه و سازوکارهای تعامل منطقه‌ای است که به نظر می‌رسد اگر کنوانسیون تعیین وضعیت دریای کاسپین که در مرداد ۱۳۹۷ هجری شمسی به امضای پنج کشور ساحلی رسیده، در مسیر درست خود قرار گیرد می‌توان آن را زمینه‌ساز حل چالش حاصل از عدم تعیین رژیم حقوقی این دریا قلمداد نمود.

پیشینه‌شناسی تحقیق

در مورد پیشینه این تحقیق باید ذکر شود که با توجه به حساسیت‌هایی که در مورد مسائل مرتبط با منطقه کاسپین وجود دارد، کارهای زیادی در حوزه رژیم حقوقی این دریا به‌ویژه از طرف اساتید به‌نامی چون خانم دکتر کولایی، آقای دکتر امیراحمدیان، خانم دکتر زهرا احمدی، دکتر حافظ‌نیا و ... صورت گرفته که همگی نیز از زوایای مختلفی مباحث مبسوط و قابل بحثی را در این حوزه ارائه داده‌اند؛ اما آنچه به‌صورت دقیق این تحقیق را از تحقیقات قبلی مجزا می‌کند، ضمن غلبه دیدگاه دفاعی، ارائه یک دیدگاه نوین در تقسیم‌بندی حوزه آب‌های سرزمینی ج.ا.ایران در دریای کاسپین است.

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از منظر هدف تحقیقی کاربردی است که با اتکاء بر آن می‌توان با چالش حاصل از تقسیم دریای کاسپین بر مبنای توافق مرداد سال ۹۷، هجری شمسی تا حدودی فائق آمد. روش انجام این تحقیق نیز تاریخی - توصیفی و تحلیلی است که بر مبنای دیدگاه هرمنوتیک استوار است.

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

الف: یافته‌های تحقیق

در ارتباط با تقسیم سرحدات دریای کاسپین در گذشته این سرحدات طی چهار توافقنامه، عهدنامه گلستان^۱ بین ایران و روسیه تزاری (۱۸۱۳ میلادی-۱۱۹۲ ه.ش)؛ عهدنامه ترکمانچای ۱۸۲۸ میلادی برابر با ۱۲۰۷ هجری شمسی، عهدنامه مودت بین ایران و شوروی ۱۹۲۱ میلادی (۱۳۰۰ ه.ش)^۲ و قرارداد دریانوردی بین ایران و شوروی (۱۹۴۰ میلادی)^۳ مورد توافق واقع گردید. در این موافقت‌نامه‌ها نه ایران و نه روسیه (قبلاً روسیه تزاری و اتحاد جماهیر شوروی) مالک درصد مشخصی از آب‌های دریای کاسپین نبوده‌اند. از این رو براساس قراردادهای مذکور، مطابق با توافق‌نامه‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ میلادی بین ایران و شوروی، از این دریا تنها با عنوان دریای مشترک بین دو کشور یاد شده است. به جز این موارد در توافقات ذکرشده حتی مرز دریایی ایران و شوروی هم در دریای کاسپین هرگز تعیین نگردیده و مطابق با توافق‌نامه‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ میلادی بین ایران و شوروی، تنها از این دریا با عنوان دریای مشترک بین دو کشور یاد می‌گردید.

۱. بر مبنای این توافق و عهدنامه ترکمنچای، ایران از حق داشتن کشتی جنگی محروم، ولی در ارتباط با حق کشتیرانی تجاری حق دو طرف محفوظ ماند.

۲. طرفین توافق کردند تا به‌طور مساوی از دریا استفاده نمایند و حق کشتیرانی آزاد در حوزه‌های تجاری و نظامی در زیر پرچم‌های دو کشور آزاد اعلام شد.

۳. در این قرارداد، طرفین (ایران و شوروی) توافق نمودند تا با کشتی‌هایی که با پرچم دو طرف در دریا تردد می‌کنند، مانند کشتی‌های خودی رفتار شود. علاوه بر آن کشتی‌های مزبور از پرداخت عوارض بندری مربوط به کشتی‌های خارجی معاف گردیدند و حق ماهیگیری در آب‌های ساحلی تا ۱۰ مایل دریایی از ساحل هر کشور محفوظ ماند. در این قرارداد هم سطح دریا مورد تقسیم واقع نگردید.

با فروپاشی شوروی و تشکیل چهار جمهوری مستقل در اطراف کاسپین، بلافاصله بحث و گفتگو برای تعیین یک رژیم حقوقی کامل برای دریای کاسپین به گونه‌ای که همه کشورهای ساحلی بتوانند از منافع این دریا در یک چارچوب مدون و مشخص بهره‌مند گردند، آغاز شد. طی سال‌های گذشته، ۵۱ نشست کارگروه ویژه، بیش از ده‌ها دیدار وزیران امور خارجه و چهار نشست رؤسای جمهور در سال‌های ۲۰۰۲ میلادی در عشق‌آباد، ۲۰۰۷ میلادی تهران، ۲۰۱۰ میلادی باکو و ۲۰۱۴ میلادی در آستارا خان برگزار شد. اولین نشست وزرای خارجه کشورهای ساحلی دریای کاسپین نیز به ابتکار ایران و در ماه‌های آخر ریاست جمهوری آیت الله اکبر هاشمی رفسنجانی در آبان ۱۳۷۵ هجری شمسی (نوامبر ۱۹۹۶ م) در تهران برگزار گردید. پیش از این اجلاس، نشست‌های دوجانبه متعددی میان رهبران کشورهای ساحلی و مقام‌های وزارت خارجه انجام شده بود که در همه این نشست‌ها، مقام‌های ایران از معتبر بودن دو پیمانی که ایران و شوروی با یکدیگر امضا کرده بودند دفاع نموده و از ضرورت تعیین رژیم حقوقی جدید سخن گفته بودند. در طی این مذاکرات، طرح ایران ابتدا تقسیم دریا به قسمت‌های مساوی بود،^۱ اما پس از مدتی ایران اعلام کرد که بر اساس حق تاریخی‌اش در دریای کاسپین، سهم خود را بیست درصد می‌داند و چهار کشور دیگر می‌توانند مابقی را هرطور خواستند تقسیم کنند. در این شرایط رسیدن به راه حل جامع در این مذاکرات به دلیل آنکه پنج کشور شرکت‌کننده دیدگاه‌های متفاوتی داشتند و مجبور بودند مسائل پیچیده حقوقی، سیاسی، نظامی، اقتصادی، زیست‌محیطی و بسیاری دیگر از مسائلی که طی دو دهه گذشته بروز کرده بود را حل و فصل کنند، دشوار می‌نمود. از این رو و در تلاش برای رسیدن به نقطه‌نظرات مشترک، طی سال‌ها مذاکره، طرفین توانستند موافقت‌نامه‌هایی درباره حفظ محیط زیست، آبیان،

۱. صابر رئیس دبیرخانه دریای کاسپین در وزارت امور خارجه و سفیر جدید ایران در قزاقستان تأکید دارد در هیچ مصوبه‌ای تقسیم ۵۰ یا ۲۰ درصدی نداریم. آنچه بیان می‌شود تلقی اشتباه از محث تقسیم مساوی است. تقسیم ۲۰ درصد نیز موضع ایران نبوده، بلکه یک اقدام تأمینی است تا زمانی که تحدید حدود نهایی صورت گیرد. از این رو ما به همسایگان خود اجازه استفاده از منابع مشترک و اکتشافات از دریا را تا زمان تحدید حدود ندادیم و تا زمانی که این اتفاق نیفتد کماکان در این محدوده، حق بهره‌برداری از منابع انرژی را نخواهند داشت (مصاحبه حضوری).

ایجاد امنیت، رفع عواقب ناشی از وضعیت‌های غیرمترقبه، فعالیت نظامی و تعیین رژیم حقوقی دریای کاسپین، به امضا برسانند. با وجود این دستاوردها در این اواخر، اختلافاتی در حول کشیدن خطوط ارتباطاتی در بستر کاسپین و تعیین روش مرزبندی بستر کاسپین که غنی از ذخایر انرژی است بین کشورها بروز کرده بود که نیازمند تعامل بیشتر کشورها با یکدیگر بود.^۱

مذاکرات سال‌های گذشته در مورد تعیین رژیم حقوقی دریای کاسپین نشان می‌دهد که هرچند رهیافت‌های حقوقی متفاوتی برای حل چالش رژیم حقوقی دریای کاسپین از سوی کشورهای ساحلی ارائه شده، اما عدم نیل به اتفاق آراء در بین کشورهای حاشیه این دریا، باعث شده تا برخی از آن‌ها به صورت دوجانبه یا سه‌جانبه عملیاتی گردد و برخی دیگر نیز به سرانجامی نرسد. آنچه که از همه این تقسیم‌بندی در دو دهه اخیر برمی‌آید آن است که هرچند در گذشته در حوزه تقسیم دریای کاسپین تنها به تفکیک حوزه سطحی بسنده شده بود ولی در تقسیم‌بندی مورد ادعای سال‌های اخیر کشورهای حاشیه این دریا، توجه به بستر و زیربستر دریا را نیز شاهد هستیم. البته در این ارتباط، توافق بر استفاده مشاع از بخش اعظم پهنه آبی این دریا در کنار تقسیم دقیق بستر و زیربستر دریای کاسپین مورد توجه جمیع کشورهای حاشیه این دریا بوده است.

با این وجود تا قبل از توافق بر سر کنوانسیون تعیین وضعیت حقوقی دریای کاسپین، نظرات کشورهای حاشیه این دریا در مورد تقسیم آن حول دو محور و اصل پذیرفته‌شده بین‌المللی قرار گرفته بود. لذا در آخرین فرایند تصمیم‌گیری در مورد تعیین رژیم حقوقی دریای کاسپین، چهار کشور منفک شده از اتحاد جماهیر شوروی در یک‌سو و ج.ا.ایران در سوی دیگر این تصمیم‌گیری قرار گرفته بودند. آنچه در این حوزه مورد ادعای چهار کشور شمالی کاسپین است، بر پایه یکی از اصول و قواعد حقوق بین‌الملل، در رابطه با تغییرات بنیادی استوار است که به اصل ریوس مشهور می‌باشد. آن‌ها فروپاشی شوروی و ظهور سه

۱. مقدار نفت به ثبت رسیده در دریای کاسپین بیش از ۴۸ میلیارد بشکه نفت و ۸،۷۶ تریلیون متر مکعب گاز است. ذخایر نفت این دریاچه بیش از ۲۰۰ میلیارد بشکه تخمین زده می‌شود که پس از خلیج فارس و منطقه سبیری این منطقه را در رتبه سوم از حیث ذخایر نفتی قرار می‌دهد (خبرگزاری اسپوتنیک، کد خبر ۳۷۹۸۵۵۶: ۲۷-۷-۲۰۱۸).

کشور جدید در جغرافیای سیاسی منطقه را تغییرات بنیادی در منطقه تلقی کرده و معتقدند دیگر قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ میلادی پاسخگوی حل و فصل مسائل این پهنه آبی نیست و باید بر اساس ترسیم خط میانی نسبت به تقسیم منابع زیربستر میان کشورهای ساحلی اقدام کرد؛ مهم‌تر اینکه آن‌ها مبدأ خط میانی را از صفر ساحل دریای کاسپین و نه بعد از ۱۰ مایل آب‌های ساحلی و ۲۵ مایل آب‌های سرزمینی در نظر می‌گیرند. در نقد این نظریه برخی حقوقدانان ایرانی معتقدند که تفسیر مدعیان این اصل در قبال ایران در کاسپین اشتباه است؛ چرا که تغییر بنیادی در مرزهای ایران صورت نگرفته، از این رو سهم کشورهای جدید باید از بخش شوروی سابق که روسیه جانشین همه تعهدات آن شده است داده شود، نه جمهوری اسلامی ایران (باشگاه خبرنگاران جوان، کد خبر ۵۳۰۳۱۴۹، شهریور ۹۴).

اما از سوی دیگر در هفتم مهرماه ۱۳۹۳ هجری شمسی (۲۹ سپتامبر ۲۰۱۴ م)، حسن روحانی رئیس‌جمهور اسلامی ایران در اجلاس چهارم سران کاسپین بر روی لزوم استفاده از اصل انصاف در حقوق بین‌الملل و نیز لزوم توجه به حقوق تاریخی ایران در کاسپین که پیش از فروپاشی شوروی، دریای مشترک میان دو کشور بود، تأکید نمود که بدین ترتیب به طور غیرمستقیم قراردادهای موقت روسیه با جمهوری آذربایجان و قزاقستان درباره تقسیم کف دریای کاسپین بر اساس پیشنهاد روس‌ها (خط منصف اصلاح‌شده) مردود دانسته شد (طبق این روش، سهم ایران از دریای کاسپین زیر ۱۳ درصد می‌شد) لذا در این شرایط و با توجه به نظر و پیشنهاد روس‌ها برای تقسیم دریای کاسپین بر پایه خط منصف اصلاح‌شده، موضع دولت ایران در سال‌های اخیر تقسیم دریای کاسپین بر پایه انصاف (مناطق ۲۰ درصدی برای هر کدام از پنج کشور حاشیه دریای کاسپین) و در عین حال تقسیم همه دریای کاسپین؛ یعنی آب‌ها و کف دریا قرار گرفت. بر اساس این روش، کف دریای کاسپین بر پایه خط منصف (طول سواحل) معین می‌شود و در عین حال آب‌های سطح دریای کاسپین به صورت منطقه مشترک در نظر گرفته خواهند شد (باشگاه خبرنگاران جوان، کد خبر ۵۳۰۳۱۴۹، شهریور ۹۴).

با این وجود و علی‌رغم این موضع‌گیری شفاف براساس اصل انصاف، ایران بار دیگر با در نظر گرفتن قدمت تاریخی حضور در منطقه، تعداد جمعیت ساکن در شهرهای ساحلی

کاسپین، اشکال محدب و مقعری سواحل کشورها و شیب و عمق دریا در ترسیم خط مبدأ در صورت توافق با سایر کشورهای منطقه، سهم خود را از منابع زیربستر تغییر داد و به حدود ۱۸ درصد آن را تعدیل نمود. این آخرین موضع ج.ا.ایران پس از ارائه مدل‌های مشاع کامل سطح، بستر و زیربستر، تقسیم منابع زیربستر به‌ازای ۲۰ درصد برای هر کشور ساحلی و قائل شدن حق مشاع سطح آب قبل از امضای کنوانسیون تعیین وضعیت رژیم حقوقی دریا در مرداد ۱۳۹۷ هجری شمسی بوده است.

از آنچه که گذشت مشخص می‌شود که با توجه به تعدد طرح‌ها، دستیابی به یک طرح مشترک برای رفع چالش رژیم حقوقی دریای کاسپین ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است در این شرایط بود که به ناگاه بحث امضای کنوانسیون رژیم حقوقی دریایی کاسپین در اجلاس پنجم سران کشورهای حاشیه کاسپین مطرح گردید.

در تعریف کنوانسیون تعیین وضعیت رژیم حقوقی دریای کاسپین آمده، این توافق‌نامه به‌عنوان یک سند مادر، تعهدی است که روز ۲۱ مرداد ۱۳۹۷ هجری شمسی به امضای سران پنج کشور ساحلی (ایران، روسیه، جمهوری آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان) رسید. قبل از امضای این سند نیز پروتکل اثرات فرامرزی زیست‌محیطی^۱ دریای کاسپین به امضای کشورهای حاشیه این دریا رسیده بود. از اسناد دیگری که همراه کنوانسیون رژیم حقوقی این دریا به امضا رسید؛ شامل موافقت‌نامه‌های حمل و نقل و ترانزیت، تجاری و اقتصادی، مبارزه با تروریسم، مبارزه با جرائم سازمان‌یافته، تعامل و همکاری‌های مرزبانی و پیشگیری از درگیری‌های نظامی بود که با جانمایی این توافق‌ها در کنوانسیون جدید، قدم‌های مثبتی در مسیر همکاری بین کشورهای حاشیه این دریا برداشته شد که در واقع نقطه عطف و آغازین برای اجرای تفاهات، نظارت بر اجرا و همچنین شروع مذاکرات برای امضای موافقت‌نامه‌های جدید و ضروری در این منطقه به شمار می‌رود. در امضای این کنوانسیون علاوه بر تعیین مشخصات طبیعی دریای کاسپین، بر احترام به حاکمیت تمامی کشورها، تمامیت ارضی، برابری، عدم توسل به زور، عدم مداخله در امور داخلی، استفاده صلح‌آمیز از دریا در تضمین امنیت و ثبات منطقه اشاره شده است.

با امضای این کنوانسیون هرچند گفته می‌شود که تقریباً اکثر بحث‌های مربوط به رژیم حقوقی دریای کاسپین تعیین وضعیت شده؛ اما مواردی چند از جمله تعیین خطوط مبدأ^۱ و تحدید حدود بستر و زیربستر دریا، همچنان به‌عنوان یک مسئله به‌خصوص در بخش جنوبی دریای کاسپین لاینحل باقی مانده که نیاز به مذاکره بیشتر و تعامل بین کشورهای عضو دارد^۲ (حلاجیان، ۱۳۹۷: ۷). از این رو کارشناسان معتقدند که کنوانسیون جدید حقوقی دریای کاسپین به هیچ‌عنوان وارد تعیین مرزها و محدودهای آبی نشده و این موضوع را موکول به گفتگوی دو جانبه کشورها با یکدیگر نموده است. از سوی دیگر در مورد بستر و زیربستر نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد آن است که در این بخش از دریا هیچ‌کشوری حق حاکمیت ملی ندارد، بلکه حقوق حاکمه دارد. در حق حاکمه هر کشوری در بستر و زیربستر (مادامی که دارای ذخایر است) صرفاً حق استفاده و بهره‌برداری از منابع را داشته. از این رو چیزی به وسعت سرزمینی کشورش اضافه نمی‌شود.

از دیگر ویژگی‌های کنوانسیون مذکور این است که در آن، دریای کاسپین به‌عنوان یک دریاچه تعریف گردید که در پی آن همه مسائل حقوقی دریای کاسپین تنها با اتفاق نظر پنج کشور، عملی و اجرایی می‌گردد. همچنین براساس این تعریف تردد کشتی‌های نظامی خارجی در این دریا کاملاً ممنوع گردیده که از لحاظ امنیت ملی بسیار حائز اهمیت است. در واقع این دریا به‌عنوان یک دریای صلح و دوستی بین کشورهای عضو لحاظ گردیده و دریانوردی تجاری در این دریا، تنها زیر پرچم پنج کشور ساحلی انجام خواهد شد. علاوه بر این موارد کشورهای ساحلی نمی‌توانند قلمروی خود را جهت اقدام و تجاوز به سایر

۱. در مورد خط مبدأ در یک بند کنوانسیون قید شده که شرایط ساحل بعضی از کشورها به‌گونه‌ای است که نیازمند مقرراتی ویژه هستند که این ماده برای ج.ا.ایران در تعیین خط مبدأ بسیار اهمیت دارد.

۲. در طی سال‌های گذشته، روسیه با امضای دو قرار داد جداگانه با جمهوری‌های قزاقستان و آذربایجان توانست حدود ۶۴ درصد کف دریای کاسپین (۲۷ درصد قزاقستان، ۱۹ درصد روسیه و ۱۸ درصد جمهوری آذربایجان) را بین خودشان تقسیم کنند. این تقسیم‌بندی براساس اصل ارائه‌شده توسط روسیه مشهور به «خط منصف اصلاح‌شده» صورت گرفت. طبق این فرمول دسترسی به آب‌های سطحی دریای کاسپین برای همه کشورهای حاشیه آن آزاد است و ساحل کشورها تعیین‌کننده مقدار وسعت آبی آن‌ها خواهد بود که اگر این فرمول روسیه پیاده شود، سهم ایران در دریای کاسپین کمتر از ۱۳ درصد خواهد بود (حلاجیان، ۱۳۹۷: ۷).

کشورها در اختیار بیگانگان قرار دهند. بر این اساس حضور و عبور نیروهای نظامی بیگانه و غیر ساحلی از حوزه آبی این دریا ممنوع اعلام گردید.^۱

در این ارتباط کنوانسیون، همچنین مشارکت کشورهای حاشیه دریای کاسپین در عرصه نظامی با هدف ایجاد هر نوع پایگاه نظامی بیگانه در سواحل دریای کاسپین را ممنوع اعلام کرده است. در این سند تأکید شده که حضور نیروهای نظامی قدرتهای فرامنطقه‌ای کاملاً غیر قابل قبول است و کشورهای ساحلی مسئولیت حفاظت از امنیت دریای کاسپین و بهره‌برداری از منابع آن را بر عهده خواهند داشت.

در حوزه اقتصاد و منابع نفتی نیز با توجه به اینکه ذخایر نفت و گاز موجود در دریای کاسپین به‌عنوان پیشران توسعه منطقه قلمداد گردیده و همکاری بین کشورها در زمینه استخراج، بهره‌برداری و همچنین سوآپ نفتی و گازی می‌تواند باعث رونق اقتصادی در منطقه گردد. بر این اساس در گام اول توافق شده تا منابعی که مورد منازعه نیستند توسط خود کشورها مورد بهره‌برداری قرار گیرند. در خصوص منابع مشترک یا مورد اختلاف نیز، اصل بر این است که دو یا سه کشور ذینفع در این خصوص با یکدیگر توافق و نسبت به بهره‌برداری از منابع نفتی اقدام کنند.^۲ اما اگر در این خصوص بین کشورها توافقی حاصل نشود، از آن منابع بهره‌برداری نگردد. مسئله دیگری که در حوزه اقتصاد مورد اهتمام کشورهای حاشیه دریای کاسپین قرار گرفته، بحث ترانزیت و کریدور شمال به جنوب است. این کریدور سواحل روسیه و قزاقستان را از سمت شمال شرق و شمال غرب کاسپین به سواحل ایران و خلیج فارس و دریای عمان متصل می‌کند و ظرفیت‌ها و

۱. صابر رئیس دبیرخانه دریای کاسپین در وزارت امور خارجه و سفیر جدید ایران در قزاقستان در تفسیر این بند تأکید دارد، انحصار پرچم تنها به همین پنج کشور داده شده است. به این معنی که انواع دریانوردی در این حوزه صرفاً تحت پرچم همین پنج کشور انجام می‌شود. در حوزه امنیتی نیز، کشورهای ساحلی کاسپین تعهد کردند از قلمروی خود اجازه اقدام به کشور ثالث، علیه کشورهای عضو کنوانسیون را ندهند.

۲. در مورد میدان نفتی البرز، جمهوری اسلامی ایران این حوزه را مشترک با جمهوری آذربایجان فرض نموده و آذربایجان هم قبول کرده که بدون در نظر گرفتن مرز بین دو کشور، استخراج صورت بگیرد. مذاکرات و تفاهم‌ها انجام شده و با توجه به اینکه با هر فرمولی مرز مشخص شود، این میدان نفتی مشترک خواهد بود. ایران حفاری خود را در این حوزه شروع نکرده است.

فرصت‌های بسیار خوبی را از لحاظ اقتصادی، حمل و نقل، جابه‌جایی کالا و مسافر و مسئله گردشگری برای کشورهای حاشیه این دریا فراهم می‌کند.

در ادامه این رایزنی‌ها و در جهت اجرای هرچه بهتر کنوانسیون رژیم حقوقی دریای کاسپین، معاونان وزیران امور خارجه کشورهای ساحلی این دریا در پاییز ۱۳۹۷ هجری شمسی با یکدیگر دیدار نمودند که در این دیدار رایزنی‌هایی درباره تفهیم توافقات مورد اشاره در کنوانسیون رژیم حقوقی دریای کاسپین صورت گرفت.

در حوزه امنیتی و عدم ورود ناوگان خارجی به منطقه نیز روسیه و ایران در امضای این توافقنامه، ملاحظات جدی داشتند که این ملاحظات بیشتر از همکاری‌های جمهوری آذربایجان و قزاقستان با رقبای غربی نشأت می‌گرفت. لذا با امضای این کنوانسیون تصور بر آن است که در ظاهر تاحدودی نگرانی مسکو و تهران در موارد امنیتی برطرف گردد.

لذا هرچند امضای این کنوانسیون باعث شده تا هر یک از کشورهای حاشیه این دریا به منافی در حوزه کاسپین دست یابند، اما شواهد حاکی از آن است که کمترین منافع با امضای این کنوانسیون شامل ج.ا.ایران شده، به طوری که واقعیت‌ها حکایت از ایجاد چالش جدیدی در نیمه جنوبی دریای کاسپین بر سر نحوه تقسیم دریا میان ایران، آذربایجان و ترکمنستان دارد. در این ارتباط آنچه مطرح است، آنکه دو کشور آذربایجان و ترکمنستان از مواضع خود در تعیین رژیم حقوقی این دریا عدول نخواهند کرد، لذا با امضای کنوانسیون جدید عملاً تهران خود را متعهد به تقسیمات جدید کاسپین نموده است که در این شرایط سهم ایران کمتر از تصورات ارزیابی می‌گردد. از این رو کارشناسان معتقدند همچنان که در پی توافقی که در سال ۲۰۰۳ میلادی بین روسیه، قزاقستان و آذربایجان انجام شد و در آن بر تقسیم حدود ۶۴ درصد زیربستر دریای کاسپین بین این کشورها توافق حاصل شد، در نتیجه امضای قرارداد جدید، کشورهای جنوبی کاسپین نیز باید با امضای قراردادهای دوجانبه با یکدیگر بر سر استفاده از بستر دریا مذاکره کنند؛ بنابراین در این کنوانسیون وقتی ذکر شده که کشورهای هم‌جوار درباره بستر و تحدید حدود با یکدیگر مذاکره کنند،

یعنی به توافقات ۱۹۹۸، ۲۰۰۱، ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ میلادی اعتبار بخشیده شده است. این در حالی است که ایران قبلاً اعلام نموده بود توافقات دوجانبه را قبول ندارد.

ب: تجزیه و تحلیل یافته‌ها

از مهم‌ترین مزایای امضای این کنوانسیون را می‌توان به رسمیت شناختن حق استفاده از دو کانال ولگا-دن روسیه به‌عنوان جزئی از حقوق کشورهای ساحلی حاشیه این دریا از جمله ایران دانست. همان‌طور که می‌دانیم دریای کاسپین دریایی بسته است که تنها از دو مسیر به آب‌های آزاد در دریای سیاه و خلیج فنلاند از طریق خاک روسیه متصل می‌گردد، به همین دلیل هرگونه ایجاد حقی در این ارتباط برای کشورهای ساحلی می‌تواند به‌عنوان مزیت این توافقنامه لحاظ گردد. از دیگر مزایای این توافقنامه تأکید بر افزایش امنیت و ثبات منطقه‌ای به‌عنوان زیربنای همکاری اقتصادی است که با رفع نگرانی‌ها، تنش‌ها و ایجاد شفافیت به‌ویژه در حوزه ترانزیت، اقتصاد، امنیت و سیاست حاصل می‌شود. در این راستا در آینده ایجاد یک نظام امنیت منطقه‌ای نیز می‌تواند کشورهای منطقه را به‌سوی همکاری و امنیت بیشتر سوق دهد. جلوگیری از یک‌جانبه‌گرایی در بهره‌برداری از منابع مورد اختلاف را نیز می‌توان از دیگر مزایای این توافقنامه در نظر گرفت. این مزیت می‌تواند کشورهای حاشیه این دریا را از ورود به تنش‌های ناخواسته، مانند آنچه در سال ۱۳۸۱ هجری شمسی بین ج.ا.ایران و ج.آذربایجان بر سر میدان نفتی البرز پیش آمد مبرا سازد. در نهایت تأکید بر محاسبه و مورد توجه قرار دادن شکل نامساعد ساحل کشورها در تعیین خطوط مبدأ مرزی است. لذا آنچه از این ماده برمی‌آید، جمهوری آذربایجان و ترکمنستان در مذاکرات آتی با ایران برای تعیین مناطق دریایی نمی‌توانند شکل ساحل و وسعت کم ساحل ایران را بهانه کاهش سهم ایران از کاسپین قلمداد کنند. از این رو در صورت بهره‌برداری مناسب از مفاد کنوانسیون امضا شده، این کنوانسیون می‌تواند شرایط بهتری برای ایران نسبت به توافقاتی که پیشین به وجود آورد.

در حوزه پیامدهای حاصل از امضای این کنوانسیون، می‌توان این پیامدها را در حوزه‌های مهمی از جمله دفاعی و امنیتی، اقتصادی، سیاسی، زیست‌محیطی، حقوقی و ...

مورد توجه قرار داد که از نظر می‌گذرد. از منظر دفاعی و امنیتی امضای این کنوانسیون در وهله اول سبب خواهد شد تا روسیه در سرتاسر دریای کاسپین آزادی مانور نظامی پیدا کند که این موضوع می‌تواند باعث تشدید مسابقه جهت ایجاد توازن قوا گردد. این مسئله به توسعه امکانات ناوگان دریایی روسیه در دریای کاسپین کمک خواهد کرد که در این ارتباط در ماه آوریل ۲۰۱۸ میلادی وزارت دفاع روسیه محل استقرار ناوگان کاسپین این کشور را از بندر آستارا خان به بندر کاسپیسک انتقال داد. مسکو همچنین قصد دارد طی دو سال آینده به‌عنوان برترین قدرت دریایی در منطقه، توان بالقوه دریایی-نظامی خود را تقویت کند، این در حالی است که علاوه بر روسیه دیگر کشورهای ساحلی دریای کاسپین نیز چنین سیاست‌هایی را در تقویت ناوگان نظامی-دریایی خود دنبال نموده و خواهند نمود. از این رو هرچند کنوانسیون حقوقی دریای کاسپین حضور نیروهای نظامی قدرت‌های فرامنطقه‌ای در دریای کاسپین را غیر قابل قبول دانسته ولی مانع تقویت نظامی‌گری و روند نظامی شدن دریای کاسپین نخواهد گردید. در واقع روس‌ها معتقدند که توان بالقوه بروز تهدیدات نظامی در دریای کاسپین وجود دارد که این مسئله علی‌رغم حصول توافقات در کنوانسیون، به امکان حضور نیروهای نظامی بیگانه و قدرت‌های مداخله‌گر در امور داخلی کشورهای ساحلی وابسته است. از این رو برای مقامات مسکو و تهران که در حال حاضر روابطشان با واشنگتن بسیار تیره شده، بعد نظامی همکاری‌ها در دریای کاسپین اهمیت زیادی دارد و در همین رابطه نیز روسیه تلاش می‌کند تا توان نظامی ناوگان دریای کاسپین را تا جای ممکن افزایش دهد، لذا نیازمندیم تا نیروی دریایی ایران نیز همین هدف را در دریای کاسپین دنبال کند.

در مورد تأثیر این توافقنامه بر حوزه دفاعی و امنیتی ج.ا.ایران نیز به دلیل مشاع اعلام شدن سطح آب دریای کاسپین، ایران تنها بر حوزه ۲۵ مایلی خود قدرت اعمال نظارت در ورود شناورها و ناوگان نظامی کشورهای ساحلی را خواهد داشت، در حالی که در گذشته این نظارت شامل ۲۰ درصد مورد ادعایی ایران بود. لذا در صورت ارتکاب به این اقدام از سوی ناوگان‌های ساحلی دیگر کشورهای ساحلی کاسپین، ج.ا.ایران نیز باید این توان را برای خود ایجاد کند تا در اقدامی مقابله به مثل کند و به‌منظور اجرای قوانین مربوط به حق

مشاع، با ناوگان تجاری و نظامی خود وارد حوزه‌های آبی کشورهای حاشیه دریای کاسپین، منطبق با مقررات کنوانسیون گردد.

در حوزه اقتصادی و بخش ترانزیت مهم‌ترین پیامدی که از امضای این کنوانسیون شامل حال ج.ا.ایران خواهد شد بحث احداث خط لوله از بستر دریای کاسپین است. از آنجایی که کنوانسیون به‌طور دقیق تصریح دارد که کشورهای ساحلی می‌توانند در بستر دریای کاسپین خط لوله ایجاد کنند. بدین ترتیب به‌طور رسمی راه برای ساخت خط لوله گاز «ترانس کاسپین» از ترکمنستان به آذربایجان هموار خواهد شد. البته به همراه سند اصلی کنوانسیون، پروتکلی نیز به امضا طرفین رسیده که تشریفات مربوط به ارزیابی تأثیر طرح‌های انرژی بر روی محیط زیست دریای کاسپین را تعیین کرده است. بر اساس این سند، برای ساخت خطوط لوله انرژی در بستر دریای کاسپین، لازم است تا موافقت همه کشورهای ساحلی به دست آید. بدین ترتیب روسیه و ایران ابزار لازم را به دست آورده‌اند تا بتوانند در حد ممکن ساخت خط لوله از ترکمنستان به آذربایجان را به تأخیر بیندازند ولی در هر صورت این بند باعث ایجاد حقی برای کشورهای حاشیه دریای کاسپین خواهد شد که به‌راحتی می‌تواند باعث دور زدن مسیر جمهوری اسلامی ایران در ترانزیت انرژی گردد.

در ارتباط با مسائل زیست‌محیطی، هرچند ذیل این کنوانسیون برخی پروتکل‌های همکاری از جمله پروتکل همکاری برای مدیریت مشترک محیط زیست دریای کاسپین هم امضا شد؛ اما برای آنکه این تعهدات جنبه عملی پیدا کند باید منتظر اقدامات واقعی توسط این کشورها باشیم. در این ارتباط علی‌رغم آنکه سیل پسماندهای زیست‌محیطی به دلیل شیب بستر دریای کاسپین به سمت سواحل ایران است، اما این عوامل نیز باعث نشده تا دیگر کشورها مسئله را جدی تلقی کنند. از این رو به نظر می‌رسد مسئله زیست‌محیطی نه تنها در اولویت اول و دوم، حتی در اولویت‌های بعدی این کشورها در دریای کاسپین نیز قرار ندارد.

از منظر حقوقی نیز امضای این کنوانسیون پیامدهای متعددی را متوجه ج.ا.ایران نموده است، به‌طوری که در حوزه سرزمینی اگرچه در کنوانسیون به «تحدید حدود» و «تعیین

خط مبدأ» اشاره نشده و حل و فصل آن به آینده موکول گردیده، اما با تعیین آب‌های سرزمینی ۱۵ مایل دریایی (ماده ۷ کنوانسیون) و منطقه انحصاری ماهیگیری ۱۰ مایل دریایی (ماده ۹) بدون احتساب اختصاص آب داخلی در این دریا برای ج.ا.ایران، حق حاکمیت کشور در این دریا به نظر می‌رسد به دلیل فرورفتگی ساحل کمتر از ۱۳ درصد احراز گردد^۱. هرچند ماده ۱ کنوانسیون اشاره می‌دارد: «چنانچه شکل ساحل، یک کشور ساحلی را در تعیین آب‌های داخلی اش آشکارا در وضعیت نامساعدی قرار دهد، این وضعیت هنگام ایجاد روش فوق به منظور دستیابی به تفاهم میان تمامی طرف‌ها مدنظر قرار خواهد گرفت، اما مشخص نیست که واقعاً بر مبنای این اصل تا چه میزان قادر خواهیم بود، زیان حاصل از این فرورفتگی ساحل در عمق سرزمینی را جبران نماییم.

محدودیت حقوقی دیگری که با امضای این توافق نصیب ج.ا.ایران شده است عدم تناسب در تعیین آب‌های سرزمینی و منطقه انحصاری ماهیگیری با تراکم جمعیت ساحلی کشورها است. در این ارتباط در حالی که ج.ا.ایران بیشترین تراکم جمعیتی را در منطقه ساحلی از آن خود دارد و از طرف دیگر بیشترین عرض و عمق دریای کاسپین نیز در این

۱. در تعیین خط مبدأ دو بحث وجود دارد: یکی قضیه تعیین سهم و نقاط جغرافیایی و دیگری تعیین فرمول‌ها. در کنوانسیون حاضر بخشی از فرمول‌های مربوط به تحدید حدود مشخص شده است که مربوط به خط مبدأ دریای سرزمینی است. درست است که نقاط مشخص نشده، اما خط مبدأ و فرمولش مشخص شده است و این، دست حقوق‌دان‌ها و سیاسیون را خواهد بست و از این به بعد وظیفه جغرافی^۲دان‌ها خواهد بود که بر اساس تراز منفی ۲۸ متر این کار را انجام دهند، اما باید اشاره نمود که این منفی ۲۸ متری که برای خط مرزها آمده است، شرایط را شدیداً به ضرر ایران رقم خواهد زد. در این ارتباط آنچه مورد نظر ایران و متخصصین ایرانی بود، منفی ۲۶ متر از سطح دریای آزاد بود، ولی در کنوانسیون منفی ۲۸ متر آمده است. این قضیه باعث شد سهم بیشتری از آب‌ها به دیگر طرف‌ها برسد و عملاً خط مبدأ چهار کشور دیگر به سمت جلو بیاید، چون مناطق کم‌عمق کاسپین سمت آن‌ها قرار گرفته است، ولی در مورد خط مبدأ ایران این قضیه وجود ندارد و در همین خطی که ایران هم‌اکنون ساحل دارد قرار بگیرد و با تراز منفی ۲۸ ممکن است حتی در برخی نقاط وارد خشکی نیز بشود که در کل پروسه تحدید حدود را کانالیزه می‌کند. بر همین اساس با اینکه تحدید حدود ذکر نشده، اما این چارچوب‌ها و کانال‌ها دست ایران را در آینده خواهد بست. (توضیح بیشتر آنکه سواحل ایران منطبق بر ۲۸- متر است در حالی که سواحل ۴ کشور دیگر در حد بالاتری از ۲۸- متر یعنی ۲۶- یا حتی ۲۵- و... قرار دارد؛ از این رو با احتساب ۲۸- تمامی آب‌های پشت خط مبدأ جزء آب‌های داخلی آن‌ها حساب می‌شود ولی در مورد ایران در این فرمول‌بندی ساحل با خط مبدأ مماس است) (مخبرنیوز، کدخبر ۷۸۳۱۶۵۳: ۲۶ مرداد ۹۷).

منطقه قرار دارد، اما سهم ساحلش با این شرایط از همه کشورها کمتر است. با توجه به شکل فرورفته سواحل ایران، از دیگر موارد حقوقی که جنبه امنیتی نیز دارد، تعیین ۱۵ مایل آب‌های سرزمینی و ده مایل منطقه انحصاری ماهیگیری است که سبب خواهد شد تا از طرف کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای حاضر در منطقه، به دلیل حضور بدون مانع تا ۲۵ مایلی سواحل ایران تهدیدات نظامی و امنیتی بیشتری علیه سواحل جمهوری اسلامی ایران متصور گردد.

از دیگر جنبه‌های منفی حقوقی این توافقنامه را می‌توان در مورد اعلام منطقه مشاع در این پهنه مشترک دریایی میان پنج کشور جستجو نمود. در حالی که براساس تقسیم‌بندی جدید در بدترین شرایط در عرض‌های شمالی، عرض منطقه مشاع تا ۴۰ کیلومتر تنزل می‌یابد؛ اما همین عرض در منطقه جنوبی به دلیل عرض زیاد پهنه آبی کاسپین به حدود ۳۰۰ کیلومتر می‌رسد که وجود این عرض پهناور در کنار عمق بسیار کم دفاع سرزمینی در طول ساحل می‌تواند ضربات جبران‌ناپذیری را بر امنیت ج.ا.ایران وارد نماید.

از دیگر موارد حقوقی که لازم بود در این توافقنامه به آن پرداخته شود و جای آن خالی مانده است در مورد عدم تعیین حقایق، آب حوزه کاسپین متناسب با سهم کشورها در راستای جلوگیری از کاهش حجم آب ورودی به این دریا است. در این ارتباط نکته آن است که سطح آب دریای کاسپین در چندین سال گذشته به‌طور محسوسی پایین آمده و این کاهش در سال آبی (۱۳۹۷-۱۳۹۶ ه‍.ش) به‌صورت بی‌سابقه‌ای نگران‌کننده بوده است. طی یک دهه گذشته به‌اندازه ۳۸۰ کیلومتر مربع معادل ۱۲ دریاچه ارومیه در زمان پرآبی آن از آب دریای کاسپین کاسته شده است. این کاهش حجم آب ناشی از عوامل مختلفی از جمله کاهش بارندگی، کاهش آب ورودی به‌ویژه از طریق رودخانه ولگا به دریای کاسپین، میزان برداشت انسانی از آب دریا (براساس تحقیقات سال ۲۰۱۷ میلادی، میزان مصرف آب در کل حوزه کاسپین ۴۳ کیلومتر مکعب در سال بوده است) و بالا رفتن حجم تبخیر آب دریا به‌خصوص در مناطق شرقی این دریا (حوزه ترکمنستان و خلیج قریغازگل) به دلیل عمق کم و گرمای زیاد بوده است. هرچند این عوامل جزء دلایل طبیعی این کاهش آب هستند اما در کنار این عوامل طبیعی، اقدامات کشورهای حاشیه این دریا به‌ویژه روسیه

در کاهش حجم ورودی آب رودخانه ولگا به این دریا از طریق احداث سد و یا اقدام ترکمنستان در تخلیه آب دریای کاسپین در خلیج قزلباغ گل و بستن ورودی و دهانه این خلیج برای تبخیر سریع تر آب با هدف استحصال نمک و ید از دیگر عوامل انسانی در مسیر کاهش آب این دریا بوده است.

جنبه حقوقی این اتفاق آن است که در مواقع کم‌آبی، تراز ۲۸- برای همه کشورها محقق می‌گردد ولی این کاهش تاکنون مقطعی بوده و در ترسالی‌ها و با افزایش ارتفاع آب، تراز آب این دریا به ۲۶- متر خواهد رسید که در نتیجه آن با پیشروی آب در داخل سواحل کشورهای واقع در حاشیه شرقی و شمالی کاسپین، این کشورها صاحب آب داخلی بیشتری خواهند شد. گفتنی است که ارتفاع آب دریای کاسپین در چهار سال گذشته از ۲۸- متر پایین‌تر آمده که این مقدار مشابه کاهش ارتفاع آب در سال ۱۹۷۰ میلادی بوده است. طبق اعلام کارشناسان، ارتفاع آب در سال ۱۹۷۸ میلادی با یک متر کاهش ۲۹- متر بوده که این اختلاف ارتفاع با افزایش ۲ و نیم متری آب و رسیدن به مرز ۲۶/۵۰- متر در سال ۱۹۹۶ میلادی و ۲۸- متر در سال ۲۰۱۰ میلادی در نوسان بوده است. البته نکته حائز اهمیت در این معیار تراز آب، در اختلاف نقشه مبنا خلاصه می‌شود. این نقشه که مبنای تصمیمات کنوانسیون قرار گرفته، یک نقشه روسی است که براساس تراز آب در دریای آدریاتیک تهیه شده است. بنابر اظهار نظر آقای شفیعی رئیس سازمان نقشه‌برداری، این نقشه با نقشه‌های ترسیمی ایران، نیم تا یک متر اختلاف تراز دارد. بر این اساس هرچند مبنای ۲۸- در کنوانسیون ذکر شده ولی براساس این اختلاف می‌توان مبنای منفی ۲۷ تا ۲۷,۵ را پایه تقسیمات این دریا لحاظ نمود؛ اما با این وجود آقای میثم آرایبی از کارشناسان این حوزه معتقد است میانگین تراز آب در ۱۰۰ سال اخیر تنها فقط یک سال بوده است که به منفی ۲۸ رسیده است و در باقی سال‌ها میانگین منفی ۲۷ و در بعضی سال‌ها منفی ۲۶ بوده است که عملاً به این طریق مبنا قرار دادن تراز ۲۸- به نفع سایر کشورها خواهد بود و در مجموع مساحت دریای کاسپین را نیز تقلیل خواهد داد.^۱

۱. با احتساب تراز آب ۲۸- مساحت دریای کاسپین ۳۷۲۰۰۰ کیلومتر و در تراز ۲۶- معادل ۴۱۳۰۰۰ کیلومتر مربع خواهد بود.

با توجه به آنچه گذشت می‌توان گفت که این توافقنامه علاوه بر منافی که برای کلیه کشورهای حاشیه دریای کاسپین دارد، در حوزه سرزمینی تنها برای حل و فصل مناقشه در قسمت جنوبی کاسپین (ایران، آذربایجان و ترکمنستان) طراحی شده است که دلیل این امر آن است که منابع موجود در بستر شمالی کاسپین طی پروتکل‌هایی فی‌مابین روسیه، آذربایجان و قزاقستان رفع اختلاف شده، از این رو پیامد این توافق را می‌توان در نحوه تعامل کشورهای حاشیه جنوبی کاسپین با یکدیگر جستجو کرد. از سوی دیگر محتوای بسیاری از مفاد کنوانسیون رژیم حقوقی دریای کاسپین، همان محتوای پروتکل‌هایی است که فی‌مابین روسیه با قزاقستان و آذربایجان در سال ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ میلادی امضا شده است که براساس آن ۶۴ درصد بستر دریا را این سه کشور میان خود تقسیم کرده‌اند، در حالی که چنانچه برخی از مفاد عهدنامه ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ میلادی پایه مذاکرات و مفاد کنوانسیون رژیم حقوقی کاسپین قرار می‌گرفت؛ امروز منافع جمهوری اسلامی ایران به شکل مناسبی تأمین می‌شد.^۱

از منظر حقوقی در مورد منطقه مشاع نیز که آب‌های فراتر از ۲۵ مایل را در برمی‌گیرد ابهاماتی چند از قبیل نحوه اداره حوزه آبی و منابع بستر و زیربستر آن سوی منطقه ملی هر کشور (۲۵ مایل)، تعیین وضعیت حوزه‌های مهم نفتی ایران در این منطقه از جمله حوزه

۱. شورای عالی امنیت ملی پیش‌تر مصوبه‌ای داشت که اشاره می‌کرد که خط قرمز ایران همان ۲۰ درصد است و نرمشی در این زمینه انجام نشده و سیاست عمومی همان ۲۰ درصد بوده است و تا الآن هم به هیچ کشوری اجازه اکتشاف و بهره‌برداری در این ۲۰ درصد داده نشده است. از این رو با پایداری و اصرار بر این سیاست، باید اصول و قواعد و ساختارهای حقوق بین‌المللی که به آن‌ها استناد می‌کنیم ما را به سمتی سوق دهد که بتوانیم به همان ۲۰ درصد برسیم. قواعد حقوق بین‌الملل هم سهم ایران را می‌تواند از ۱۸ تا ۲۴ درصد تضمین کند؛ اما با این وجود اگر سهم ایران ۲۰ تا ۲۵ درصد از کاسپین تعیین شود، باز در این محدوده دریایی منابع طبیعی چندانی وجود نخواهد داشت. در واقع به دلیل آنکه بستری که سمت ایران قرار دارد بستر اقیانوسی است و عرض فلات قاره طبیعی کمتر است، به همین خاطر منابع نفت و گاز کمتری در سمت ایران وجود دارد و این منابع انرژی بیشتر در شیب قاره و فلات قاره قرار دارند و این مناطق بیشتر سمت ترکمنستان و آذربایجان قرار خواهند گرفت. از این رو باید به قواعد حقوق بین‌الملل و «اصل انصاف» (که متأسفانه در کنوانسیون جدید اشاره نشده است)، مراجعه کنیم و باید به این اصل اتکا شود تا بر اساس آن اگر ایران نقصانی داشته باشد، بر اساس اصل انصاف جبران کند (روزنامه جوان، کدخبر ۹۲۲۲۴۳: ۲۶ مرداد ۹۷).

نفتی البرز و فومن^۱، تأمین منافع روسیه از امضای کنوانسیون در حوزه مشاع به دلیل هژمونی آن بر کشورهای ساحلی کاسپین، عدم توجه به عرض زیاد دریا در منطقه مشاع جنوبی نسبت به شمال دریا و بحران‌های دفاعی و امنیتی ناشی از آن^۲، ایجاد امکان دسترسی قانونمند کشورهای حاشیه کاسپین به بخش جنوبی کاسپین که به دلیل عمق زیاد محل تجمع عمده جانداران و آبزیان این دریا است که مطمئناً این حضور به نفع ج.ا.ایران در عرصه اقتصادی و شیلات نیز نخواهد بود؛ عدم توجه به بحث فلات قاره در اعلام منطقه مشاع^۳، نحوه حضور شناورهای نظامی در کاسپین (احتمال حضور ناوگان‌های بیگانه با پرچم کشورهای حاشیه کاسپین)؛ عدم تعیین نحوه سرمایه‌گذاری مشترک برای حفظ محیط زیست دریای کاسپین؛ اختصاص کمک ویژه به جمهوری اسلامی ایران برای حفظ محیط زیست دریای کاسپین به دلیل غلبه جریان‌ات شمالی حاکم بر این دریا که سواحل ایران را به آلوده‌ترین سواحل این دریا تبدیل نموده، وجود منابع عظیم نفتی در حوزه آبی مشاع و نحوه بهره‌برداری از این منابع توسط کشورهای ساحلی و سرانجام تضعیف موقعیت ژئوپلیتیک ایران براساس ماده ۱۵ کنوانسیون با اعطای حق لوله‌گذاری در کف دریا به کشورهای ساحلی وجود دارد که باید حتماً مورد توجه قرار گیرد.

۱. با توجه به اینکه این میداین در حوزه ۲۰ درصد جزء منابع زیر بستر ایران قرار دارند، به همین دلیل با پذیرش این معاهده از حوزه آب‌های انحصاری جمهوری اسلامی ایران خارج می‌شوند، از این رو در راستای حفظ این منابع باید کشورهای ذینفع را در احترام به سهم ایران متقاعد نمود و گرنه باید دست به دامن توافقات جدید شد.
۲. به دلیل عرض زیاد دریای کاسپین در بخش جنوبی، پس از قبول کنوانسیون، از حدود ۴۰۰ کیلومتر عرض و وسعت آب این دریا در بخش جنوبی، حدود ۳۰۰ کیلومتر در منطقه مشاع قرار می‌گیرد که این تقسیم از لحاظ دفاعی باعث خواهد شد تا با توجه به قوس جنوبی این دریا در حوزه رودسر تا نور به‌راحتی امکان نفوذ در عمق آب‌های جمهوری اسلامی فراهم گردد. به این طریق عملاً پهنه وسیعی از حوزه آبی مشاع در بخش جنوبی دریای کاسپین به وسعت ۳۰۰ کیلومتر در طول شرقی و ۱۱۰ کیلومتر در عرض شمالی بدون دفاع و نظارت باقی خواهد ماند. در صورتی که در قسمت‌های شمالی‌تر این عرض بسیار کمتر است و در دماغه باکو در شبه‌جزیره آبشوران این عرض به حدود ۸۰ کیلومتر و در مناطق شمالی‌تر این عرض حتی به ۳۰ کیلومتر و کمتر می‌رسد که در نتیجه امکان نظارت بر مرز خودی و منطقه مشاع را برای سایر کشورهای حوزه کاسپین امکان‌پذیرتر می‌نماید.
۳. از آنجایی که منطقه ملی ۲۰ درصد به دلیل عمق زیاد سواحل در منطقه فلات قاره قرار گرفته و از سوی دیگر سواحل سایر کشورها در این مبحث محدودیتی کمتری نصیبشان می‌شود. لذا باید دقیقاً بحث فلات قاره و قوانین آن در حوزه آبی کاسپین مشخص گردد تا با توجه به عمق زیاد سواحل ایران در کاسپین، جمهوری اسلامی ایران متضرر نگردد.

علاوه بر موارد ذکر شده از دیگر ابهامات کلی امضای این کنوانسیون می‌توان به تفسیرپذیر بودن مفاد مربوط به حضور نظامی کشور ثالث در منطقه کاسپین و اینکه بیان این بند در حیطه اقدام بوده و یا ایجاد پایگاه را هم شامل می‌شود و اینکه آیا کشور ثالث حق احداث پایگاه در کل کشور را ندارد و یا فقط در پهنه آبی از چنین حقی محروم است؟ این ماده در راستای مقابله با تصویب پروتکل پارلمان قزاقستان در آوریل ۲۰۱۸ میلادی صورت گرفت که به آمریکا اجازه می‌داد از دو بندر قزاقستان در دریای کاسپین (کوریک و آکتائو)^۱ برای انتقال نیروها به افغانستان استفاده کند^۲، عدم بهره‌مندی ایران از برخی از مفاد مثبت عهدنامه‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ میلادی میان ایران و شوروی، عدم شفافیت در نحوه استفاده عادلانه و دوسویه از کریدور جنوبی شمالی و برعکس در کاسپین، عدم وضع قوانین الزام‌آور مرتبط با استفاده کشورهای حاشیه دریای کاسپین از مسیر ولگا- دن برای رسیدن به آب‌های آزاد مطابق با اصول بین‌المللی به‌منظور جلوگیری از اعمال سلیقه روسیه بر این ترددات، وجود ابهام برای مبارزه با تروریسم با توجه به تعاریف متفاوت هر کشور از این مفهوم در خشکی و دریا، مبتنی بر تهدیدات امنیتی، قاچاق مواد مخدر و ... و بالاخره از مهم‌ترین و آخرین ابهامات این کنوانسیون می‌توان به عدم پیش‌بینی «حق خروج کشورها از کنوانسیون» و نبود «مرجع حل و فصل اختلافات» و «کمیسیون مشترک حل و فصل اختلافات» برای حل و فصل اختلافات آتی فی‌مابین متعاقدين^۳ در حوزه امنیتی و دفاعی اشاره کرد.

۱. بهار ۲۰۱۸ میلادی، سنای پارلمان قزاقستان پروتکلی را به امضا رساند که به ایالات متحده اجازه می‌دهد از بندرهای کوریک و آکتائو در دریای کاسپین برای انتقال محموله‌های نیروهای مسلح ایالات متحده به افغانستان از طریق خاک قزاقستان استفاده کند. محموله‌های ویژه از طریق دریای کاسپین از گرجستان و آذربایجان به قزاقستان و سپس از طریق راه‌آهن به ازبکستان و افغانستان حمل خواهند شد.
۲. در حال حاضر نیز ززمه‌های مبنی بر طرح مخفی آمریکا برای خصوصی اعلام نمودن بنادر قزاقستان، جهت دسترسی آسان به این بنادر با هدف تضعیف کنوانسیون مطرح است که در این ارتباط نیز کنوانسیون باید صریح باشد.
۳. این امر در حالی است که مناقشه ایران با چهار کشور دیگر در سه حالت، «تقسیم دریا بر مبنای طول خط ساحلی»، «تقسیم براساس مساحت کف دریا» و «تقسیم به مساوات» قابل تحقق است که گزاره سوم با سهم ۲۰ درصدی ایران، نزدیک‌ترین تقسیم به تأمین منافع کشورمان است که البته تأمین نشده است؛ چرا که در حالت نخست ایران کمترین طول ساحل را داشته و در حالت دوم نیز بیشترین کف دریا در اختیار روسیه قرار خواهد گرفت.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

به نظر می‌رسد هرچند در نگاه اول بحث امضای کنوانسیون تعیین وضعیت رژیم حقوقی دریای کاسپین می‌تواند به چالش ناشی از عدم توافق کشورهای ساحلی در این زمینه پایان دهد، اما با توجه به مواردی که در حوزه پیامدها و ابهامات بیان شد می‌توان این نتیجه را گرفت که این کنوانسیون را تنها می‌توان در قالب یک سند جامع و به عبارتی یک قانون مورد توافق ضمنی توسط پنج کشور ساحلی قلمداد نمود. این توافق‌نامه در گام اول باید در مجالس کشورهای حاشیه تصویب گردد تا جنبه قانونی به خود بگیرد که در این ارتباط کشور ترکمنستان پیش‌قدم شده و آن را در مجلس خود به تصویب رسانده است که این امر حاکی از رضایت طرف ترکمنی از مفاد این کنوانسیون دارد، البته به نظر نمی‌رسد که بقیه کشورها نیز به جز ج.ا.ایران که با کشورهای همسایه خود در تعیین خط مبدأ و منابع بستر و زیربستر اختلافات جدی دارد در تصویب این کنوانسیون در مجالس خود ابایی داشته باشند. از این رو با توجه به این ابهامات و دامنه‌دار بودن چالش پیش رو در حوزه کاسپین پیشنهاد می‌شود:

- تصویب کنوانسیون در مجالس کشورها در واقع فرصتی است که در اختیار کشورهای حاشیه کاسپین قرار گرفته تا از این طریق معایب این کنوانسیون را مورد توجه قرار داده و در رایزنی‌های آتی برای حل و فصل آن‌ها تلاش مضاعفی صورت دهند.
- در تعیین حدود فلات قاره یا همان بستر و زیربستر باید به منابع موجود بستر و زیربستر توجه شود نه اینکه چند درصد سهم هر کشوری می‌شود.
- تعریف خلیج ایرانی^۱ در آب‌های ساحلی ایران به دلیل وجود ساحل نامناسب: از این شیوه برای تقسیم پهنه آبی در بیشتر نقاط دنیا از جمله کانادا، ایتالیا، اندونزی،

۱. در مورد تعریف خلیج در تعاریف بین‌الملل، هرچند خلیج بر مبنای وجود یک پهنه آبی که دو دهانه متصل به دریای آن کمتر از ۲۴ مایل دریایی، یعنی حدود دو برابر وسعت عرض دریای سرزمینی تعریف می‌گردد؛ اما چون در دریای کاسپین کشورهای حاشیه تمام موارد اختلافی را براساس تفاهم دو یا چندجانبه حل و فصل نموده‌اند امید است که این مورد نیز بر این مبنا و توافقات حاصل^۲ شده با جمهوری آذربایجان و ترکمنستان حل و فصل گردد.

هند در حوزه غربی (بمبی)، هند در خلیج بنگال، چین در دریای چین، ایران در خلیج فارس و ... بهره‌برداری شده است. در این طرح آب‌های داخلی ایران قطعاً از ترکمنستان بیشتر نخواهد بود، لذا در نتیجه در صورت حل مسائل مربوط به محدوده مشاع، حل اختلاف با ترکمنستان به نظر چندان مشکل نخواهد بود، در مورد ج. آذربایجان نیز ما نیازمند رایزنی بیشتر با مسئولان این کشور در جهت تحقق منافع دو کشور خواهیم بود.



نقشه ۱: محدوده ترسیمی خلیج ایرانی

نتیجه نهایی آنکه در حوزه دفاعی و امنیتی با امضای این کنوانسیون از طرف ج.ا.ایران، چالش فراگیر عدم تعیین رژیم حقوقی دریای کاسپین که قبلاً کل حوزه کاسپین را در برمی‌گرفت به حوزه جنوبی محدود گردد. این شرایط که به دلیل حل اختلاف روسیه با همسایگان شمالی دریای کاسپین پدید آمده باعث ایجاد پیامدهای منفی برای ج.ا.ایران در حوزه‌های دفاعی و امنیتی به شرح زیر گردد.

- قانونی شدن حضور ناوگان نظامی کشورهای حاشیه کاسپین تا منطقه ۲۵ مایلی ساحل ج.ا.ا؛
- بی‌دفاع ماندن ۴۰۰ کیلومتر از عرض دریای کاسپین در منطقه مشاع فراساحل ج.ا.ا؛

- ایجاد امکان عبور خط لوله برای کشورهای حاشیه کاسپین از بستر این دریا در امتداد کریدور شرق به غرب و کاهش ارزش مسیر ج.ا.ا؛
 - ایجاد امکان ماهیگیری کشورهای حاشیه کاسپین تا ۲۵ مایلی ساحل ایران؛
 - عدم تعیین تکلیف حضور کشورهای مداخله‌گر و پیرامونی متضاد با منافع ج.ا.ا در منطقه؛
 - احتمال عدم اهتمام کشورهای ترکمنستان و آذربایجان در ایجاد حق برای ج.ا.ایران در داشتن حق خلیج ایرانی به دلیل وجود ساحل نامناسب؛
 - تبعیض در عدم اختصاص آب داخلی به ج.ا.ا با احتساب خط مبدأ ۲۸- متر،
 - وابستگی ژئوپلیتیکی کشورهای منطقه به ج.ا.ایران به دلیل جبر محیط فعلی و احتمال گسست این هم‌تکمیلی بین کشورها با ج.ا.ا به دلیل اجرای کنوانسیون. لذا توافق بر سر کاهش یا از بین بردن این وابستگی‌ها به نظر کار عاقلانه‌ای به نظر نمی‌رسد.
- با توجه به آنچه گذشت در برخی موارد عدم توافق، بهتر از توافق بدی است که می‌تواند منافع ج.ا.ایران را مورد تهدید واقعی قرار دهد. لذا پیشنهاد عدم تصویب کنوانسیون در مجلس شورای اسلامی تا رسیدن به شرایط مطلوب در قبولاندن شرایط برتری‌ساز در حوزه دفاعی و امنیتی به کشورهای حاشیه دریای کاسپین امری ضروری است.

فهرست منابع و مآخذ

الف. فارسی

- حلاجیان، مهدی (۱۳۹۷)، رژیم حقوقی دریای خزر و سهم ایران از دریا، *هفته‌نامه ساحل دریا*، شماره ۱۱۸، ص ۷.
- شاحیدر، عبدالکریم (۱۳۹۱)، *حل اختلاف رژیم حقوقی دریای خزر*، تهران، دادگستر.
- کاظمی، مهرداد (۱۳۸۱)، دریای خزر و حقوق بین‌الملل، مجله حقوقی، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی ج.ا.ا، شماره ۲۶ و ۲۷.
- کولایی، الهه و گودرزی، مهناز (۱۳۹۲)، *دریای خزر: چالش‌ها و چشم‌اندازها*، تهران، انتشارات میزان.
- کولایی، الهه، علی‌زاده، شیوا (۱۳۹۵)، *جستارهای در مورد مسائل دریای کاسپین*، تهران، وزارت امور خارجه.
- متقی، افشین (۱۳۹۴)، تحلیل ژئوپلیتیکی موانع شکل‌گیری همگرایی در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، تهران، *مجله مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره ۸، شماره ۱.
- محمدجانی، مصطفی و همکاران (۱۳۹۴)، *دریای کاسپین و موقعیت ژئوپلیتیک ایران*، تهران، انتخاب.
- ملکی، عباس (۱۳۸۸)، *دریای خزر و تحولات پیش رو*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- آرائی درونکلا، میثم (۱۳۹۷)، *مصاحبه با نگارنده با محوریت کنوانسیون دریای کاسپین*، گامی از چالش به‌سوی تعامل.
- امیراحمدیان، بهرام (۱۳۹۷)، *مصاحبه با نگارنده با محوریت کنوانسیون دریای کاسپین*، گامی از چالش به‌سوی تعامل.
- صابر، مجید، (۱۳۹۷)، *مصاحبه با نگارنده با محوریت کنوانسیون دریای کاسپین*، گامی از چالش به‌سوی تعامل.
- کولایی، الهه (۱۳۹۶)، *مصاحبه با نگارنده با محوریت الگویابی همگرایی در منطقه کاسپین*.
- منابع اینترنتی
- ابراهیمی، مهرداد (۹۳/۳/۱۷)، *منافع ایران در خزر، آزمون دیگر برای دیپلماسی روحانی*، شمال نیوز، کد خبر ۹۸۵۹۵.
- سلیمانی، افشار (۱۳۹۴/۶/۶)، *رژیم حقوقی دریای خزر، چالش‌ها، چشم‌اندازها، دیپلماسی ایرانی*، کد خبر ۱۹۵۱۳۳۱.
- فارس نیوز (۹۳/۷/۵)، *پرونده ۲۳ ساله رژیم حقوقی دریای خزر و چهارمین نشست سران در آستارا خان*، شماره ۱۳۹۳۰۷۰۲۰۰۸۳۰.
- فارس نیوز (۹۳/۷/۷)، *چانه‌زنی بر سر حریمی نامعلوم؛ چرا خزر تعیین تکلیف نمی‌شود؟* شماره ۱۳۹۳۰۷۰۲۰۰۸۸۸.

- کولایی، الهه (۱۳۹۷)، *تفاهم‌نامه رژیم حقوقی دریای خزر*، تابناک، کد خبر: ۸۲۵۰۴۶، ۲۲ مرداد ۱۳۹۷.

ب. انگلیسی

- Abilov, Shamkhal (۲۰۱۵), “*The New Great Game Over the Caspian Region: Russia, The USA and China in the Same Melting Pot*”, Khazar Journal of Humanities and Social Sciences.
- Malehmir, Hassan & Hasanvand, Akram (۲۰۱۳), “*Challenge of Relations Between Iran and Russia a bout Caspian Sea*”, International Research Journal of Applied and Basic Sciences.
- Thomas, Timothy L (۲۰۱۴), “*Russian National Intrests and the Caspian Sea*”, Journal of International Affairs, Vol. IV.

ج. سایت‌ها

- <http://www.javanonline.ir/fa/news/۹۲۲۲۴۳> acces ۱۱-۱۲-۲۰۱۸
- <http://www.mokhbernews.ir/Home/ShowNewsInfo/۷۸۳۱۶۵۳>access ۱-۱۲-۲۰۱۸
- <https://ir.sputniknews.com/opinion/۲۰۱۸۰۷۲۶۳۷۹۸۵۵۶>access ۱۰-۱۱-۲۰۱۸
- <https://www.nasimonline.ir/Content/Detail/۲۲۴۸۱۰۶>
- <http://www.entekhab.ir/fa/news/۴۲۳۸۶۹>
- <https://www.yjc.ir/fa/news/۵۳۰۳۱۴۹/>

